

سنجش برخی از ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی در عشایر عضو نظام‌های

بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان

علیرضا محسنی تبریزی*

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد بخشی از نتایج یک پیمایش انجام شده را که ناظر بر مقایسه وجهه نظرات دو گروه از مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی و مرتع‌داران عضو طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان است، در پرتو نظریه عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی ارائه نماید. اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و با کاربرد تکنیک پرسش‌نامه هدایت‌شده از ۳۵۹ نفر مرتع‌دار (۱۸۶ نفر در استان آذربایجان شرقی و ۱۷۳ نفر در استان کردستان) عضو نظام بهره‌برداری سنتی طرح مرتع‌داری و هم‌چنین تعاونی مرتع‌داری، از مجموع ۴۵۰۳ مرتع‌دار (۱۷۳۶ نفر در کردستان و ۲۷۶۷ نفر در آذربایجان شرقی) و به طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای بر اساس امتیازبندی با دقت احتمالی مطلوب ($d=5\%$) و ضریب اطمینان ۹۵٪ ($t=1/96$) جمع‌آوری گردیده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که این دو گروه از حیث وضعیت اجتماعی اقتصادی و برخی از باورها و ارزش‌های منتسب به خرده فرهنگ دهقانی نظیر پایین بودن سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها، پایین بودن احساس خود اثربخشی، پایین بودن انگیزه اقتصادی، فقدان هم‌دلی، پایین بودن درجهٔ نوآوری و نوپذیری، پایین بودن میزان نیاز به موفقیت (N-Ach) و نهایتاً ترجیح منافع آتی به منافع آتی، تفاوت معنی‌داری دارند. با این وصف در باب برخی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی نظیر درجهٔ فATALIسم، میزان بی‌اعتمادی در روابط شخصی و میزان تصور خیر محدود، دو گروه تفاوت معنی‌داری را نشان ندادند. نتایج حاصل از پژوهش فرضیهٔ اصلی تحقیق، مبنی بر این که نوع عضویت و گرایش به عضویت در نظام‌های بهره‌برداری مدرن، نظیر عضویت در طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری و نیز تفاوت مرتع‌داران در پایگاه و وضعیت اجتماعی-اقتصادی بر برخی از باورها و ارزش‌های منتسب به خرده فرهنگ دهقانی مؤثر است، را تایید می‌کند. با این وصف این نتایج تفاوت معنی‌داری را در دو گروه مذکور از حیث میزان فATALIسم، بی‌اعتمادی در روابط شخصی و تصور خیر محدود، نشان نمی‌دهند.

کلید واژگان: احساس خود اثر بخشی، توسعه پایدار، تصور خیر محدود، فATALIسم، نیاز به موفقیت، نوسازی، نوپذیری، هم‌دلی.

^۱ - مقاله حاضر مأخوذ و تلخیصی است از گزارش طرح تحقیقاتی تحت عنوان «نظام‌های بهره‌برداری از مرتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان» که با حمایت مالی وزارت جهاد کشاورزی (دفتر فنی مرتع) در موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۹ به سرپرستی آقای دکتر ازکیا انجام شده است. بخشی از این پروژه تحت عنوان بررسی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری توسط این‌جانب صورت گرفته است که مبنای نظری و تجربی مطالعه حاضر است.

مقدمه

مراتع یکی از ارکان اساسی منابع طبیعی تجدید شونده و اراضی مرتعی به‌عنوان بخش عمده‌ای از اراضی کره زمین محسوب می‌گردند که نه تنها نقش عمده‌ای در سلامت محیط زیست، حفظ خاک و تنظیم چرخه آب در طبیعت و سیستم هیدرولیکی آبخیزها و فراهم کردن شرایط زیست و بقای حیات وحش ایفا می‌کنند، بلکه از منابع اصلی تأمین علوفه مورد نیاز دام و نیز تولید محصولات متفرقه دارویی، شیمیایی، صنعتی و خوراکی به‌شمار می‌آیند. عمده‌ترین فایده و کارکرد مراتع، تولید علوفه ارزان قیمت دامی است. در ایران بالغ بر ۶۰ درصد از دام‌داری‌های کشور علوفه سالیانه مورد نیاز خود را از مراتع و چراگاه‌های موقت تأمین می‌کنند. بر طبق برآورد فائو (FAO) هفت میلیارد واحد گوسفندی، گاو و بز، جمعیت دامی جهان را تشکیل می‌دهند که سهم ایران در این میان بین ۱۰۰ الی ۱۳۰ میلیون واحد گوسفندی است (ازکبا، ۱۳۷۴: ۲-۳).

با توجه به اهمیت مراتع در بقای زیستی انسان و سایر موجودات زنده، هم‌چنین نقشی که در تولید علوفه، اکسیژن، آب و تنظیم سیستم هیدرولیک آبخیزها و تکامل خاک ایفا می‌کند، حفظ منابع ژنتیکی، گیاهی و جانوری و نظایر آن در شرایط دشوار و شکننده زیست‌بومی کنونی بیش از پیش احساس می‌شود. از سوی دیگر اداره و مدیریت اراضی مرتعی نیازمند علمی است که امروزه با نام "مرتعداری" یا "مدیریت مرتع" شناخته می‌شود. این علم که آمیزه‌ای از علوم زیستی، طبیعی، فیزیکی و اجتماعی است، دانش و فنی است برای متعادل کردن موارد استفاده از اراضی مرتعی در یک هیئت ترکیبی و تلفیقی، به‌نحوی که بالاترین منافع را برای مابعد داشته باشد (همان، ۱-۲).

سابقه طرح‌های مرتعداری در کشور ما به دهه ۱۳۲۰ شمسی می‌رسد. از دهه ۱۳۴۰ نیز تهیه طرح‌های طویل‌مدت با هدف انتقال دانش فنی و علم مرتعداری نوین از کشورهای پیشرفته و تربیت نیروی متخصص مدیریت و اصلاح مراتع آغاز گردیده است. در دوره‌های بعد از انقلاب تغییراتی در این طرح‌ها صورت گرفت، نظیر صاحب نسق دانستن گروه‌هایی از چوپانان و دام‌داران کوچک و قرار دادن آنان در گروه دام‌داران، تهیه شناسنامه برای مراتع کشور، شناسایی دام‌داران ذی‌صلاح و صدور پروانه‌های موقت چرای دام به‌عنوان وسیله‌ای جهت ضابطه‌دار کردن استفاده از مراتع، تهیه و اجرای طرح‌های مرتعداری کوچک، تعویض مفهوم دام‌دار با مرتعدار، تضمین شغلی، تقویت احساس علاقه و انگیزه مالکیت و وابستگی دام‌داران به مرتع و نظایر آن. این موارد از مهم‌ترین برنامه‌ها و تدابیری بوده‌اند که به منظور اعمال مدیریت کارآمد در مرتع، به‌نحوی که منجر به احیاء، حفظ، توسعه و اصلاح مراتع با قابلیت‌های کاربردی گردد، طراحی، تدوین و اجرا شده‌اند. در واقع برنامه‌ها و طرح‌های

مرتج‌داری، با این هدف اجرا می‌گردند که بتوان شرایطی را برای رسیدن به ابعاد مطلوب اعمال مدیریت در برنامه‌ریزی اصولی به منظور بهبود وضعیت فنی مرتع و بهره‌برداری بهینه و مطلوب و متنوع از آن، فراهم ساخت و در عین حال ساخت و انسجام اجتماعی و گروهی مرتج‌داران را محقق نمود. از این رو یکی از اولویت‌های عمده در برنامه‌های سازمان مرتع و جنگل‌ها، نیل به توسعه پایه در منابع طبیعی در اجرای طرح‌های مرتج‌داری است. ضرورت اجرای طرح‌های مرتج‌داری بنا به دلایلی از چند دهه قبل در کشور ما محسوس بوده است. بهره‌برداری مداوم در طول قرن‌ها به‌ویژه استفاده و برداشت بیش از ظرفیت تولیدی در دهه‌های اخیر از مراتع کشور، روند تخریبی زایدالوصفی را بر این منابع ارزشمند حاکم نموده و استمرار و بقای این منابع پایه حیاتی را به مخاطره انداخته است. این روند تخریبی به دلیل افزایش نیازهای جمعیت‌های انسانی و دامی، از بین رفتن حقوق سنتی بهره‌برداری از اراضی مرتعی و نیز هزینه‌های روز افزون علوفه تکمیلی، فرایندی محسوب می‌شود که اساساً از تعامل و برهم‌کنش میان نظام دام‌داری در مراتع و شرایط طبیعی نشأت می‌گیرد. بهبود این وضعیت که از سویی به توسعه و ترویج فناوری مناسب نیاز دارد و از سویی دیگر مستلزم بکارگیری شکل‌بندی‌های نوین و ادغام‌شده مدیریت بهره‌برداری چند منظوره از مراتع و هم‌چنین مشارکت بهره‌برداران در حفظ و احیای این منبع مهم طبیعی و توسعه آن است، در گرو اجرای موفقیت‌آمیز طرح‌های مرتج‌داری می‌باشد.

نتایج حاصل از طرح‌های تحقیقاتی گذشته که ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی طرح‌های مرتج‌داری را در چند استان کشور نظیر فارس و کهگیلویه و بویراحمد مورد بررسی و تدقیق قرار داده‌اند، نشان می‌دهد که از جمله عوامل بازدارنده و موانع موجود در راه طرح‌های مرتج‌داری، ضعف و قلت روحیه تعاون و همکاری و شدت انگیزه‌های خودخواهانه، میل وافر به مالکیت فردی و غلبه برخی از ارزش‌های خرده‌فرهنگ دهقانی نظیر احساس بی‌اعتمادی در روابط شخصی، فقدان هم‌دلی، پایین بودن میزان نیاز به موفقیت، تصور خیر محدود، فاتا‌لیسم، پایین بودن سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها و نظیر آن در بین عشایر و دام‌داران مناطق مورد مطالعه است. در بسیاری از مناطق عشایری تجزیه تدریجی و فروپاشی نظام ایلاتی، سبب روی آوردن مرتج‌داران به طرح‌های تنسیقی و انفرادی گردیده و ادامه این روند بدون تردید منجر به دور شدن از اندازه مطلوب مرتع و غیراقتصادی شدن کار در مرتع می‌گردد. به همین دلیل یکی از پیشنهادات منطقی تحقیقات پیشین، برپایی تعاونی‌های مرتج‌داری و بهره‌برداری مطلوب از آن‌ها بوده است، به این منظور که بتوان ضمن پیشبرد مطلوب طرح‌های مرتج‌داری به مدیریت و حفاظت منابع طبیعی پایه اهتمام نمود. در این فرآیند، شناخت مردمی که به‌گونه‌ای متأثر از

این طرح‌ها هستند، به‌ویژه وقوف به جنبه‌های روانی-اجتماعی آن‌ها، وجهه نظرات، نظام باورها و ارزش‌ها، هم‌چنین عادات و آداب‌شان، در راه موفقیت این برنامه‌ها اهمیتی اساسی دارد.

در ادبیات توسعه روستایی، خصوصاً نظریه‌های متفرع از مکتب نوسازی^۳ گروهی از متفکرین و صاحب نظران توجه خود را به موانع اجتماعی و فرهنگی توسعه روستایی معطوف نموده و با وضع نظریه "موانع"، مشکلات عمده در راه نوسازی و دگرگونی ساختاری در جوامع انتقالی و در حال توسعه و مقاومت در برابر تغییر و نوآوری و پذیرش افکار جدید، فناوری مدرن و هر طرح، برنامه و ایده نو را به نظام باورها، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگی و سنتی منتسب دانسته و آن‌ها را سدها و موانع فرهنگی توسعه به شمار آورده‌اند. در این میان صاحب نظرانی نظیر راجرز^۴ (۱۹۶۹)، تکس^۵ (۱۹۶۳)، فاستر^۶ (۱۹۶۵)، لويس^۷ (۱۹۶۰)، ردفیلد^۸ (۱۹۸۰)، روزن^۹ (۱۹۶۴)، و لرنر^{۱۱} (۱۹۵۸) با اشاره به مفهوم عناصر خرده فرهنگ دهقانی^{۱۱} کوشیده‌اند ضمن ربط علل توسعه نیافتگی برخی از مناطق جهان به نظام ارزش‌ها و باورهای سنتی و فرهنگی، اعتبار تجربی نظریه خرده فرهنگ دهقانی را در برخی از مناطق جوامع سنتی بیازمایند.

مقاله حاضر ناظر بر بخشی از نتایج یک تحقیق پیمایشی^{۱۲} است تحت عنوان "بررسی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری از مراتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان". در این مقاله سعی شده تا نظرات دو گروه از مرتع‌داران عضو تعاونی‌های مرتع‌داری و مرتع‌داران غیر عضو در دو استان، در پرتو نظریه عناصر خرده فرهنگ دهقانی مقایسه شوند. فرضیه اصلی تحقیق ناظر بر این است که دو گروه از حیث انگیزش‌ها، نظام ارزش‌ها و نگرش‌هایی که در نظریه خرده فرهنگ دهقانی به‌عنوان عناصر عمده خرده فرهنگ دهقانی و به‌مثابه عوامل و موانع پذیرش نوآوری و مقاومت در برابر تغییر و دگرگونی ساختاری مطرح هستند، متفاوت می‌باشند. دو گروه بر حسب خصوصیات انگیزه‌ها و ارزش‌های زیر که در

³ - modernization theory

⁴ - Rogers

⁵ - Tax

⁶ - Foster

⁷ - Lewis

⁸ - Redfield

⁹ - Rosen

¹⁰ - Lerner

¹¹ - sub-culture of peasantry

¹² - survey

نظریه‌خرده فرهنگ دهقانی و در تحقیقات برخی از محققین و پژوهش‌گران مسایل توسعه روستایی به‌عنوان عناصر خرده فرهنگ دهقانی مطرح بوده‌اند مقایسه شده‌اند. این عناصر عبارتند از:

- سرنوشت گرایی (فاتالیسم)^{۱۳}
- پایین بودن سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها
- پایین بودن احساس کارآیی و خود اثر بخشی^{۱۴}
- انگیزه اقتصادی پایین
- تصور خیر محدود^{۱۵}
- بی‌اعتمادی در روابط شخصی
- پایین بودن میزان نوپذیری و تمایل به نوآوری
- ناتوانی در ترجیح منافع آتی به منافع آنی
- فقدان هم‌دلی^{۱۶}
- پایین بودن میزان نیاز به موفقیت^{۱۷}

مبانی نظریه خرده فرهنگ دهقانی

نظریه خرده فرهنگ دهقانی چنان که گفته شد، توسط اندیشمندان و صاحب‌نظرانی نظیر راجرز، لوئیس، فاستر، تکس، ردفیلد، روزن، لرنر، وایزر^{۱۸} و دیگران توسعه و تدوین یافته است. این نظریه که در سنت جامعه‌شناسی حوزه واقعیت اجتماعی^{۱۹} و مکتب ساختاری - کارکردی^{۲۰} آن خصوصاً نظریه کنش^{۲۱} تالکوت پارسنز^{۲۲} عرضه گردیده است، معتقد است کنش اجتماعی در قالب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی سازمان می‌یابند و هنجارهای اجتماعی کنش فرد را در جهت هم‌نوایی نهایی نظام ارزش‌های اجتماعی سوق می‌دهد. طبق این نظریه فرهنگ به‌عنوان یکی از چهار نظام تأثیرگذار بر کنش افراد، متشکل از افکار، ارزش‌ها،

13 - fatalism

14 - self- efficacy

15 - limited good

16 - empathy

17 - need to achievement

18 - Wisser

19 - social fact paradigm

20 - structural functionalism

21 - action theory

22 - Talcott Parsons

هنجارها، باورها، مفاهیم ذهنی و سمبلیک، انگیزه‌ها و نگرش‌ها است که به‌منابه نیروی عمده‌ای عناصر گوناگون نظام اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد و میانجی کنش متقابل میان کنشگران است. از این منظر «فرهنگ نظام الگودار و سازمان‌یافته‌ای از نمادها است که هدف‌های جهت‌گیری کنش‌گران، جنبه‌های ملکه ذهن شده نظام شخصیتی و الگوهای نهادمند نظام اجتماعی را در برمی‌گیرد» (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۴۰-۱۳۶).

نظریه‌پردازان نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی معتقدند که علی‌رغم تنوع گروه‌های دهقانی و عشایری، می‌توان خصوصیات و ویژگی‌های کلی را که در اغلب فرهنگ‌ها مصداق دارد در خصوص آن‌ها به عنوان گروهی مستقل و متمایز از گروه‌های دیگر نظیر کارگران صنعتی، سرمایه‌داران اراضی و شهرنشینان، ذکر نمود. با این وصف نه تنها در نزد خود دهقانان یک کشور، بلکه در نزد دهقانان کشورهای مختلف نیز تعدد و تنوع خصوصیات و ویژگی‌های خرده‌فرهنگ دهقانی متفاوت است.

خرده فرهنگ، شامل بسیاری از عناصر فرهنگی کلی تری است که خود جزیی از آن است (ازکیا، ۱۳۷۰: ۵۴). با این وصف هر خرده‌فرهنگ شامل بعضی از اعتقادات، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که در فرهنگ کلی‌تر وجود ندارد و یا در نزد سایر اعضای آن جامعه، جز در نزد برخی از اقوام و یا گروه‌های آن، دیده نمی‌شود.

در درون هر یک از خرده‌فرهنگ‌ها اعضای دارای ارزش‌ها، باورها، نگرش‌ها و انگیزه‌های خاص و سایر عناصر مشترک هستند. این اشتراکات کلیدی، به‌زعم نظریه پردازان نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، برای درک رفتار گروه^{۲۳} می‌توانند مورد توجه قرار گیرند. از نظر آن‌ها ارزش‌ها به‌عنوان یکی از اجزاء فرهنگ مجرد^{۲۴}، عبارتند از پیش‌فرض‌های ناآگاهانه و معنوی در مورد این‌که چه چیزی از نظر اخلاقی درست و طبیعی است. در واقع هر فرهنگ، هدف‌هایی را ارزش می‌دهد و از اعضای خود می‌خواهد که طرح زندگی اجتماعی خود را بر اساس آن اهداف پی‌ریزی نماید. از این رو آن‌ها، به‌عنوان راهنماهای عمومی برای رفتار افراد بکار می‌روند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۵۵).

هنجارها^{۲۵}، سیستم‌های پاداش و مجازات محسوب می‌شوند که اجرای اصول و قواعد رفتاری در هر جامعه را تضمین می‌کنند. هنجارها از این منظر نمادهایی به‌حساب می‌آیند که مورد توافق جمع هستند. منظور از نماد رفتاری، شکل معینی از عمل است که بر معنی خاص دلالت دارد. نماد رفتاری قراردادی است و دلالت آن به این معنی، منوط به قرارداد جمع است. از این رو کنش اجتماعی براساس باورهای مشترک و نمادهای قابل تفاهم صورت می‌گیرد و

²³ - group behavior

²⁴ - spiritual culture

²⁵ - norms

شکل معینی از عمل یعنی هنجارها، نمادهای قابل تفاهم هستند که کنش تحقق بخشیدن به آن است (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۳۵-۳۴).

نگرش‌ها یا وجهه‌نظرها^{۲۶}، آمادگی ذهنی فرد را برای انجام عملی نشان می‌دهند. دوربا^{۲۷} نگرش را وضع روانی که یک فرد به منظور عمل کردن بر له یا علیه یک هدف معین به خود می‌گیرد تعریف می‌کند (دوربا، ۱۹۷۴: ۲۴).

انگیزه‌ها^{۲۸}، نیازها و علایق افراد را در باب انواع خاصی از فعالیت‌ها نشان می‌دهند. از این منظر شخصیت افراد، نظام سازمان یافته‌ای از جهت‌گیری و انگیزش کنش‌گر است و لذا عنصر سازنده بنیادی شخصیت، تمایل نیاز است. با این وصف تمایلات نیازی به‌عنوان گرایش‌هایی که خطری نیستند و طی فراگرد کنش بدست می‌آیند تعریف شده‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰: ۳۵).

به‌زعم نظریه‌پردازان نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، این عناصر فرهنگی در شکل ارزش‌ها هنجارها، وجهه‌نظرها و انگیزه‌ها، کلیدهایی در درک رفتار افراد به شمار می‌آیند. از این رو راجرز معتقد است "در جریان دگرگونی و توسعه روستاها، شناخت و آگاهی از خصوصیات فرهنگی دهقانان از اهمیت به‌سزایی برخوردار است" (ازکیا، ۱۳۷۰: ۵۴).

فاستر نیز مدعی است که برای اجرای موفق هرگونه برنامه توسعه روستایی باید به شناخت باورها، اعتقادات، خلیقیات، روحیات و نگرش‌های افرادی که این برنامه‌ها برای آنها اجرا می‌شود پرداخت (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۷۵). در ذیل به تعریف و تبیین برخی از عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی که در تحقیق حاضر به‌عنوان موضوعات، کیفیات، صفات و محوری که بر اساس آنها مقایسه بین دو گروه از مرتعداران تحت مطالعه در استان آذربایجان شرقی و کردستان صورت گرفته است، پرداخته می‌شود:

فاتالیسم (سرنوشت‌گرایی)

تقدیرگرایی را "درجه‌ای از درک فرد نسبت به عدم توانایی‌اش در مورد کنترل آینده" تعریف کرده‌اند (راجرز، ۱۹۶۶: ۲۷۳).

به نظر راجرز دهقانان سرنوشت را قدرت مطلقه در تعیین بدبختی و موفقیت خود می‌دانند و از آنجائی که دهقانان معتقدند که سبب با طبیعت به منظور بالا بردن سطح زندگی دشوار است، هر زمان که خود یا آشنایان‌شان در زندگی به موفقیتی برسند، آن را به کارکرد

26 - attitudes

27 - Dorba

28 - motives

عوامل ماوراءالطبیعه و قوای متافیزیکی نسبت می‌دهند. به نظر راجرز دهقانان در راستای کنترل حوادث آتی، دارای وجه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم و بردباری، نرمش و گریز می‌باشند. راجرز نتیجه می‌گیرد که روحیه تقدیرگرایی یکی از عواملی است که در رابطه با پذیرش نوسازی و تغییر در میان دهقانان که زندگی‌شان مبتنی بر ساخت سنتی خانواده روستایی که ساختی مقتدرانه است، سبب می‌شود جوان‌ترها افرادی بی‌اراده، وابسته و مطیع تربیت شوند.

در مقابل کار سیترز وجود روحیه تقدیرگرایی را در میان دهقانان ناشی از اشاعه احساس ناامنی، یعنی احساسی که بر هیچ‌کس و هیچ‌چیز، حتی به خود نمی‌توان تکیه کرد می‌داند. از این رو در بدبختی‌ها و موفقیت‌ها تنها "سرنوشت" مورد سرزنش و یا تمجید قرار می‌گیرد (ازکیا، ۱۳۶۳: ۶۰).

مانفرد^{۲۹} (۱۹۷۶) سرنوشت‌گرایی را به عنوان یک ارزش و اعتقاد فرهنگی، خاص جوامعی می‌داند که دارای ویژگی‌های زیر هستند:

- عرف^{۳۰} بر قانون^{۳۱} غلبه دارد.
- نظام اجتماعی - اقتصادی تولیدی در مرحله ماقبل صنعتی قرار دارد و روابط اجتماعی تولید، منعکس کننده ارزش‌های فنودالیسم و نومدیسیم است.
- تولید عمدتاً از نوع تولیداتی است که هنوز به مرحله تولید انبوه نرسیده است.
- حداقل تحرک طبقه‌ای و حرفه‌ای (شغلی) دیده می‌شود.
- روح جمعی بر اراده فردی برتری دارد.
- حداقل تقسیم کار و تخصص در جامعه مشهود است.
- سطح سواد و آگاهی عمومی پایین است.
- عدم اطلاع از تاریخ قاعده کلی است.
- انسجام اجتماعی از نوع مکانیکی است.
- نوعی احساس ناتوانی، ناامیدی و بی‌قدرتی در برابر واقعیات حاکم همراه با نوعی تسلیم و رضا شیوع دارد.
- مانفرد فاتالیسم را خاص افراد بی‌سواد و کم‌سواد، طبقات پائین با مشاغل کشاورزی و دام‌داری، مناطق روستایی و ایلاتی و نیز گروه‌های مذهبی قشری می‌داند.

²⁹ - Monfred

³⁰ - ethos

³¹ - law

مارش^{۳۲} (۱۹۵۶) معتقد است بین سطح تحصیلات و سرنوشت‌گرایی یک رابطه معکوس وجود دارد. یعنی هرچه سطح تحصیلات فرد بالاتر باشد میزان سرنوشت‌گرایی او کم‌تر است.

پائین بودن سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها

انتظارات، خواسته‌ها و آرزوهای اجتماعی، همان‌طور که برخی از نظریه‌پردازان نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی (لویس، ۱۹۶۰، فاستر ۱۹۶۵، نی‌هف^{۳۳} ۱۹۷۱) مطرح ساخته‌اند، دلالت دارد بر انگیزه‌های قوی افراد جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب در زندگی؛ انگیزه‌هایی اعم از دست‌یابی به شغل مطلوب یا پایگاه اجتماعی بالا و تحصیلات و سطح زندگی بهتر. از دیدگاه این صاحب‌نظران، میزان خواسته‌ها و آرزوها در جامعه دهقانی بسیار پایین است (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۰). همان‌طور که لویس (۹۰: ۱۹۶۰) اشاره می‌کند اکثر دهقانان تینزکانز^{۳۴} مکزیک فاقد انگیزه‌های قوی اقتصادی و جاه‌طلبی برای پیشرفت فردی بوده‌اند. فاستر (۲۹۳: ۱۹۶۵) نیز اشاره می‌کند که برخی از ارزش‌ها و هدف‌های فرهنگی انگلوساکسون نظیر سخت‌کوشی، عقل‌معاش و جمع‌آوری ثروت، نزد جوامع دهقانی بی‌ارزش و بی‌معنی است. مطالعات راجرز نیز در روستاهای کلمبیا نشان می‌دهد که آرزوهای شغلی و تحصیلی فرزندان دهقانان در مقایسه با فرزندان مالکین اراضی و سرمایه‌داران که در همان روستاها زندگی می‌کردند، پائین‌تر است (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۰).

عدم احساس کارآمدی شخصی

مفهوم احساس کارآمدی شخصی یا خود اثربخشی نخستین بار توسط آلبرت باندورا^{۳۵} (۱۳۸۶) روان‌شناس آمریکایی در اشاره به انتظارهای در نظر گرفته شده و ارزیابی فرد از خود در موفقیت در یک کار یا رسیدن به هدف یا نتیجه ارزش‌مند از طریق فعالیت‌های فردی به کار رفت و بعداً توسط افرادی نظیر استپیک و وایز، آرمور، گیبسون و دمبو توسعه یافت. به نظر باندورا خود اثربخشی، فرآیندی ذهنی و ادراکی است شامل شناسایی هدف، برآورد تلاش و توانایی‌های لازم برای رسیدن به آن هدف و پیش‌بینی نتیجه مربوط به آن (قاضی طباطبائی، ۱۳۷۷: ۱۱۲). باندورا معتقد است خوداثربخشی با مهارت‌های فرد سروکار ندارد، بلکه بر

32 - Marsh

33 - Niehoff

34 - Tepoztecan

35 - Bandura

قضاوت‌های وی در مورد این‌که با مهارت‌هایی که دارد، قادر به انجام چه کاری است، تکیه می‌کند (همان منبع: ۱۱۲).

نظریه پردازان نظریه خرده‌فرهنگ دهقانی، دهقانان را فاقد احساس خود اثربخشی و کآمدی شخصی دانسته‌اند. لوئیس (۱۹۶۰) و نی‌هف (۱۹۷۱) معتقدند که اکثر دهقانان فاقد توانایی‌های لازم جهت شناسایی هدف، انتخاب وسایل و راه‌های مقتضی و مطلوب برای حصول به هدف‌های مورد نظر و نیز پیش‌بینی نتایج عمل خود هستند. به همین دلیل، میزان خطرجویی آن‌ها پایین و میل آن‌ها به قضاوت‌ها و ارزیابی‌های مطلوب از مهارت‌های خویش در انجام کارهای خطر، اندک است.

انگیزه اقتصادی پایین

به‌زعم برخی از صاحب‌نظران، به‌خصوص علمای علم مدیریت جدید (تایلور، ۱۹۶۷؛ برویورمن، ۱۹۷۴ و...)، انگیزه اقتصادی مهم‌ترین محرکه کار و تولید است. آن‌ها معتقدند که کارکنان، کارگران، کارمندان و پرسنل واحدهای تولیدی در همه سطوح اعم از واحدهای صنعتی، کشاورزی، خدماتی، اداری و نظایر آن‌ها، باید بیاموزند که چگونه تولیدات خود را افزایش دهند. به‌نظر این صاحب‌نظران، مهم‌ترین وسیله برای نیل به این هدف پول و پاداش اقتصادی است. خواست اولیه مردم این است که متناسب با تلاش و کوششی که می‌کنند دست‌مزد بگیرند و انتظار دارند که برای یک روز کار مناسب، مزد مناسب بگیرند و ارزش تولیدشان متناسب با میزان و مقدار پاداشی باشد که در قبال تولید خود دریافت می‌دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۶: ۳۳).

تحقیقات برخی از محققین در جامعه روستایی نشان داده است که انگیزه اقتصادی در میان آن‌ها پائین است. تحقیقات فاستر (۱۹۶۰)، روزن (۱۹۶۴) و تکس (۱۹۶۳) نشان می‌دهند که دهقانان فاقد انگیزه‌های قوی جهت دستیابی به قدرت و برتری و کمال فردی هستند. وضعیت زندگی دهقانی با منابع محدود، فرصت‌های کم، تربیت مقتدرانه در کودکی و تاریخ طولانی استثمار توسط دیگران، سبب شده است که انگیزه پیشرفت ناچیز و قلیلی در آنان به‌وجود آید (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۱).

فقدان هم‌دلی

در تعریفی مفهومی از هم‌دلی گفته شده است که هم‌دلی «به میزان توانایی فرد در تصور و تلقی خویش در نقش دیگران دلالت دارد» (لرنر، ۱۹۵۸: ۵۰). در مطالعات برخی از نظریه پردازان نوسازی، این متغیر به‌عنوان یکی از متغیرهای واسط و میانجی نوسازی تلقی گردیده است که با متغیرهای سواد، شهرنشینی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، صنعتی شدن و مشارکت سیاسی مرتبط است.

در مطالعات دانیال لرنر در شش کشور خاورمیانه نشان داده شده است که دهقانان و روستائیان هم‌دلی کم‌تری نسبت به شهرنشینان دارند. در تحقیق لرنر از روستائیان پرسیده شد «در صورتی که عهده‌دار نقش کدخدایی و یا بخش‌داری و یا حتی ریاست جمهوری در کشور شوند مسایل خاص مربوط به قلمرو خود را چگونه حل می‌کنند، اغلب نتوانستند خود را در این نقش‌ها تصور کنند». به‌نظر لرنر، چنان‌چه دهقانان فاقد توانایی و ظرفیت لازم جهت تصور و تلقی خویش در نقش دیگران باشند، هم‌دلی نداشته و در تقبل نقش‌های جدید با مشکلاتی مواجه خواهند بود (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۸).

پایین بودن میزان هم‌دلی را در نزد دهقانان می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، نظام باورها و ارزش‌ها، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، شیوه تولید، تقسیم کار، محیط اجتماعی و فرآیندهای مربوط به شکل‌گیری شخصیت دهقانان و جریانات اجتماعی شدن و تربیت آن‌ها نسبت داد. به‌زعم برخی از صاحب‌نظران، شکل‌گیری شخصیت دهقانان در محیط بسیار محدود و بسته صورت می‌گیرد. در چنین محیط‌هایی نقش‌های محدودی برای یادگیری وجود دارد. به‌این ترتیب فقدان هم‌دلی در میان دهقانان، به مثابه نوعی عامل منزوی کننده ذهنی عمل می‌کند و سبب مصنوعیت آن‌ها از تأثیرات فرهنگ جهان میهنی می‌شود (همان: ۶۹).

تصور خیرمحدود

مفهوم تصور خیرمحدود توسط صاحب نظرانی نظیر راجرز و فاستر توسعه یافت و سپس در تحقیقات لزللی^{۳۶} و ماندل باثوم^{۳۷} مورد مشاهده و سنجش تجربی قرار گرفت. تصور خیرمحدود به‌عنوان یکی از عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی مبین این تصور در دهقانان است که چیزهای مطلوب در زندگی نظیر زمین، ثروت، قدرت، امنیت و نظایر آن به

36 - Leslie

37 - Mandel Boum

میزان محدودی وجود دارد و پیشی گرفتن یک فرد در این زمینه‌ها به قیمت ضرر و زیان دیگری تمام می‌شود.

در مطالعهٔ دهقانان ملینا^{۳۸} در مکزیک، لرلی تصور خیرمحدود را به عنوان یکی از باورهای فرهنگی روستائیان سرخ پوست تبار^{۳۹} این منطقه دانسته و گزارش کرده است اکثر روستائیان تصور می‌کنند که کسب فایده توسط یک نفر به زیان فرد دیگری تمام می‌شود (ازکیا، ۱۳۷۱: ۵۷). ماندل باثوم نیز در مطالعهٔ دهقانان هندی دریافته است که آن‌ها معتقدند چیزهای خوب در ده، از لحاظ میزان همیشه ثابت است و هر فرد مداوماً برای کسب سهم بیشتری از این چیزهای خوب باید به حقه‌بازی پردازد (همان: ۵۷).

بی‌اعتمادی در روابط شخصی

به نظر برخی از صاحب نظران نظیر لوئیس (۱۹۶۰)، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی، حيله‌گری و به فکر منافع خود بودن از خصوصیات جامعهٔ دهقانی و ایلاتی است. به نظر لوئیس یک روستائی و ایلاتی معمولاً شخص فردگرا، کناره‌گیر، نفع طلب، متکی به خود، غیرخیرخواه و بی‌میل در کمک به دیگران، شکاک در روابط شخصی و بدون روحیهٔ همکاری و میل به کار جمعی و گروهی است.

وجود روحیهٔ عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی روستائیان و عشایر مانع توسعهٔ روحیهٔ تعاونی، انگیزهٔ کار جمعی و تولید گروهی، رواج خصلت دیگرخواهی، ایجاد سازمان‌های تعاونی و اجرای برنامه‌های توسعهٔ کشاورزی است. زیرا یکی از پایه‌های اساسی و بنیادی کشاورزی بر تعاون و همکار روستائیان استوار است و فقدان این روحیه به مثابه یکی از دلایل عدم موفقیت بسیاری از برنامه‌های توسعه روستایی در جوامع دهقانی است. فاستر معتقد است که یکی از دلایل عدم اعتماد متقابل در روابط شخصی روستائیان تصور نعمت محدود است. به اعتقاد وی، دهقان همواره تصور می‌کند که چیزهای مطلوب در زندگی نظیر، زمین، ثروت، تندرستی، دوستی عشق، قدرت و امنیت به میزان محدود و کمی وجود دارد و با توجه به قدرت و توانایی روستائیان میزان سهم موجود آنها را نمی‌توان افزایش داد. اگر نعمت‌ها به مقدار محدودی در ده وجود داشته باشد، با توجه به نظام بسته ده، در نتیجه انزوای جغرافیایی و غیره، پیشی گرفتن یک فرد در این زمینه ظاهراً به قیمت ضرر و زیان دیگری تمام می‌شود و اگر فردی تلاش کند که سهم بیشتری را از آن خود کند لزوماً از سهم سایر هم‌قطارانش

38 - Melita

39 - indian

می‌کاهد. بنابراین تصور نعمت محدود عمومی‌ترین تجلی نگرانی روستایی در مورد امنیت و تعادل اجتماعی است (فاستر، ۱۹۶۵: ۷-۲۹۳).

فقدان نوآوری و نوپذیری^{۴۰}

نوآوری اشاره به آمادگی و قابلیت فردی و اجتماعی در ایجاد، ابداع، پرورش، ارائه، پذیرش و توسعه چیزهای نو، تغییرات و تحولات، روش‌ها و فنون، افکار، عادات، آداب، باورها و منش‌های نو دارد. بسیاری از صاحب‌نظران مسائل توسعه معتقدند که جامعه روستایی و عشایری از حیث تاریخی نسبت به جامعه شهری تغییرات کمتری را سبب شده و در نتیجه تغییرات کمتری را نیز پذیرفته است. چنین جامعه‌ای معمولاً در مقابل ایده‌ها، افکار، برنامه‌ها و ابزار و وسایل و فنون جدید و نوروستانیان را در افکار و رفتارهایشان هدایت می‌کنند و به‌عنوان عوامل فرهنگی آنان را در مقابل تغییرات و تحولات و پذیرش هر آنچه نو است مقاوم می‌سازند.

غالباً این بحث توسط بسیاری از صاحب‌نظران مسائل توسعه مطرح بوده است که جامعه روستایی و عشایری به صورت تاریخی نسبت به جامعه شهری تغییر کمتری را سبب شده و در نتیجه تغییرات کمتری را نیز پذیرفته است و یا لاقلاً از حیث پذیرش تغییرات با تأخیر اقدام کرده است. به نظر این صاحب‌نظران (راجرز، ۱۹۶۹، لوئیس، ۱۹۲۰، فاستر، ۱۹۶۵، هوگولت، ۱۹۷۶)، جامعه سنتی معمولاً در عکس‌العمل نسبت به ایده‌های نو و جدید فاقد نوآوری است. مردمان جامعه دهقانی و ایلاتی اغلب در باورها و رفتارها متأثر از اجداد و نیاکان خود بوده و در بسیاری موارد نسبت به شقوق دیگر^{۴۱} شناخت و آگاهی ندارند.

آنان در مقابل پذیرش روش‌ها، فنون، ابزار و وسایل تولید جدید، طرق درمان و پیشگیری از امراض و روش‌های تعلیم و تربیت نوین و نظایر آن مقاومت کرده و با سردی و به سختی حاضر به پذیرش آنها هستند.

مطالعات انجام شده در برخی از مناطق روستایی و عشایری آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا نشان می‌دهد که دهقانان در مقایسه با سرمایه داران اراضی و مالکین اراضی از میزان نوپذیری پائین و قلیلی برخوردارند. بر اساس مطالعاتی که در روستایی در کلمبیا صورت گرفته است پائین بودن میزان نوپذیری دهقانان در مقایسه با صاحبان اراضی و سرمایه داران ارضی ثابت شده است. (ازکیا، ۱۳۶۳: ۵۸).

40 - innovation

41 - alternatives

یکی از دلایل پائین بودن تمایل دهقانان و مردمان عشایری به پذیرش چیزهای نو این است که شیوه زندگی آنان را وادار کرده است که از ریسک کردن در مورد چیزهای نو و نامطمئن بپرهیزند. اکثر دهقانان و عشایر بر این باورند که اگر کسی قماربازی نکند هرگز نمی‌بازد اگر چه هرگز هم نمی‌تواند ببرد. بدیهی است، این چنین جهت‌گیری نامطلوب در برابر دگرگونی تا حدی از اوضاع و احوال فرهنگی جامعه سنتی ناشی می‌شود. (همان: ۵۸).

فقر دهقانان و در دسترس نبودن سرمایه، بدون شک در عدم پذیرش رویه‌های جدید که نیازمند هزینه‌های نقدی زیادی است تأثیر دارد. بدیهی است این‌گونه استدلال کردن عدم پذیرش دهقانان را در خصوص نوآوری‌هایی که از لحاظ اقتصادی هزینه‌ای در بر ندارد اما بالقوه سودآور است توجیه نمی‌کند.

برخی از محققین نظیر تکس از دهقانان به عنوان انسان‌های اقتصادی کوچک نام برده‌اند که دگرگونی‌های کوچک و مطمئن را در درون محدوده اقتصادی عقلایی می‌پذیرند (ازکیا، ۱۳۶۳: ۵۸). تکس در مطالعه رفتار اقتصادی و عقلانی روستائیان گواتمالائی متذکر می‌شود که سرخپوستان روستانشین گواتمالائی دارای روحیه تاجرمآبانه‌ای هستند که کسب سود و درآمد و مال اندوزی غایت آرزو و آمالشان است (تکس، ۱۹۶۳: ۱۲). آنان اگر زمین کافی در اختیار داشته باشد در جستجوی بذر بهتر و اصلاح شده، کود شیمیایی، شیوه‌های کاشت و بازارهای جدید می‌پردازند. مع الوصف صاحب نظرانی چون راجرز و لوئیس چنین تصمیمی در باب دهقانان به عنوان سرمایه‌داران کوچک را پذیرفتنی نمی‌دانند (ازکیا، ۱۳۶۳: ۵۹).

لوئیس (۱۹۶۰) نیز به پائین بودن بازده تولید در میان دهقانان خرده پای مکزکی اشاره می‌کند و شواهدی دال بر دور بودن رفتار دهقانان از ملاحظیات اقتصادی و عقلانی ارائه می‌دهد.

بی‌اعتنایی به پس‌انداز و ناتوان در چشم‌پوشی از منافع آتی به خاطر منافع آتی

در نظریه راجرز (۱۹۶۰) این ارزش به‌عنوان یکی از عناصر خرده فرهنگ دهقانی دلالت بر عدم تعلیق نیازهای فوری و آتی به منظور کسب نفع بیشتر در آینده دارد. به عبارت دیگر روستائیان در بسیاری از تصمیمات زندگی میان پاداش‌های کوتاه مدت و اهداف دراز مدت با پاداش‌های بعید و پر خطر ترجیحاً پاداش‌های کوتاه مدت و اندک را انتخاب می‌کنند. نتایج حاصله از تحقیقات انجام شده در جوامع روستایی منعکس‌کننده شواهدی است دال بر بی‌اعتنایی دهقانان به پس‌انداز و عدم چشم‌پوشی آنان از منافع آتی کم مایه در مقابل منافع و پاداش‌های آتی پر مایه.

مطالعات فالس بوردا^{۴۲} (۱۹۶۵) در کلمبیا و تکس (۱۹۶۳) در گواتمالا و راجرز و بانفیلد^{۴۳} (۱۹۶۹) در روستاهای جنوب ایتالیا حاکی از عدم تمایل دهقانان به پس‌انداز است. مثلاً اگر یک روستایی پولی به‌دست آورد به جای پس‌انداز کردن آن برای رفع احتیاجات آتی خود، بیشتر مایل است که فوراً آن را خرج کند (ازکیا، ۱۳۷۰: ۶۲). ایسوپ فایل^{۴۴} رفتار دهقانان را در این خصوص شبیه رفتار ملخ‌ها در نظر گرفته است. او معتقد است رفتار دهقانان خرده‌پا بیشتر شبیه ملخ است تا مورچه. چه آنان نیز چون ملخ‌های گرسنه هر چه گیرشان می‌آید می‌خورند و برخلاف مورچه‌ها فاقد آذوقه و غذا و توشه کافی ذخیره شده برای فردا هستند (همان: ۶۲).

فقدان انگیزش به موفقیت

مفهوم نیاز به موفقیت نخستین بار توسط دیوید مک کله‌لند^{۴۵} روان‌شناس اجتماعی امریکایی به کار رفت.

مک کله‌لند در کتاب *The Achieving Society* پس از بحث در خصوص اهمیت نوسازی در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نوسازی انسان را کلید توسعه پایدار تلقی می‌کند. به نظر مک کله‌لند منشاء همه تحولات و تغییرات در شکل توسعه و تعالی، انسان را به سمت تغییر، تحول و بهبودی رهنمون است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۹: ۸۱).

مک کله‌لند این نیرو را ویروس ذهنی یا N-Ach می‌نامد. N-Ach نیرویی است که روش خاصی از فکر کردن را در افراد به وجود می‌آورد که نسبتاً کمیاب است ولی هنگامی که در شخص به کار افتاد او را وامی‌دارد که پشتکار داشته باشد، خود را برتر از مردمی که در اطرافش زندگی می‌کنند ببیند، خطر جویی کند، کار کند، نسبت به آینده خود حساس و دلوپس باشد، موفقیت اقتصادی را هدف خود بداند، به حال و آینده بیش از گذشته باندیشد، برای تجربیات جدید و بداعت و تغییر مشتاق باشد، به ارزش علم و فناوری واقف باشد، عادت به برنامه‌ریزی و تنظیم امور و کارهای خود داشته باشد و نظایر آن.

به نظر مک کله‌لند برای احراز موفقیت اقتصادی به دو عنصر روانی نیاز است:

۱- میل به اثبات برتری خود بر دیگران

۲- نیاز به بالا بردن سطح رفاه عمومی

42 - Bordo

43 - Bonfield

44 - Aesop Fahle

45 - D.Mc Cleland

در نظریهٔ مک کله‌لند ویروس ذهنی (N-Ach) پدیدهٔ تک‌علتی یا تک‌عاملی نیست. به‌نظر وی نیاز به موفقیت بمثابه نیرویی درونی حاصل جمع شدن همهٔ عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی، تربیتی و اقتصادی است که در دورهٔ تاریخی خاص در افراد و مردمان اجتماعات به‌وجود می‌آید. (همان)

نتایج تحقیقات نکس (۱۹۶۳)، فاستر (۱۹۶۵)، راجرز (۱۹۶۹)، هارا^{۴۶} (۱۹۷۴) و کوهن^{۴۷} و هاتن^{۴۸} نشان می‌دهند که فقدان انگیزش به پیشرفت و نیاز به موفقیت یکی از خصوصیات بارز خرده فرهنگ دهقانی است و آنان عملاً فاقد N-Ach به‌عنوان نیرویی درونی و مولدند که هم بتوانند تمایل خود را بر اثبات برتری خویش بر دیگران نشان دهند و هم نیاز خود را به بالا بردن سطح رفاه عمومی عرضه دارند.

روش‌شناسی

۱- روش مطالعه

در سنجش عناصر خرده فرهنگ دهقان در دو گروه از مرتع‌داران عضو تعاونی‌های مرتع‌داری و مرتع‌داران غیر عضو در دو استان آذربایجان شرقی و کردستان از روش پیمایش به عنوان بنیادی‌ترین و رایج‌ترین شیوهٔ مطالعاتی در علوم اجتماعی خصوصاً در تحقیقات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی اجتماعی استفاده شده است. مزیت پیمایش بر روش‌های دیگر نه تنها در کارآمدی و قدرت توصیف مناسب ویژگی‌های واحدهای تحلیل و مقایسه دقیق خصوصیات آنها به کمک استنباطات علی است (دواس: ۱۳۷۶)، بلکه در بررسی جمعیت‌های بزرگ به منظور حصول به اطلاعات کثیر در باب آن جمعیت‌ها در زمینه‌های مختلف اعم از ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی و نیز در باب واقعیت‌های ذهنی و روانی، باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهاست.

۲- جامعه آماری و روش نمونه‌یابی

با عنایت به تنوع و تعدد جامعه آماری، نمونه‌یابی در دو مرحله مجزا صورت گرفته است: در مرحلهٔ اول به تعیین حجم نمونه واحدهای بهره‌برداری که مشتمل بر واحدهای بهره‌برداری سنتی (اعم از واحدهای دارای پروانهٔ چرای دام و واحدهای بدون پروانه)،

46 - Hara

47 - Cohen

48 - Hoton

طرح‌های مرتع‌داری و تعاونی‌های مرتع‌داری در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان پرداخته شده است. با استفاده از قواعد و روش‌های تعیین حجم نمونه و با استفاده از فرمول شارپ^{۴۹} و کوکران^{۵۰} (۱۹۸۴) به ترتیب در استان کردستان از مجموع ۱۷۳۶ واحد بهره‌برداری (۳۲۴ واحد بهره‌برداری طرح مرتع‌داری و تعاونی مرتع‌داری و ۱۵۱۲ واحد بهره‌برداری سنتی) ۳۲ واحد بهره‌برداری طرح مرتع‌داری، ۱۴ واحد بهره‌برداری تعاونی مرتع‌داری و ۴۴ واحد بهره‌برداری سنتی به‌عنوان نمونه به‌دست آمد. در استان آذربایجان شرقی نیز از مجموع ۲۷۶۷ واحد بهره‌برداری اعم از سنتی، طرح مرتع‌داری و تعاونی مرتع‌داری، به ترتیب ۴۴ واحد بهره‌برداری طرح مرتع‌داری، ۷ واحد بهره‌برداری تعاونی مرتع‌داری و ۴۲ واحد بهره‌برداری سنتی (اعم از دارای پروانه چرا یا فاقد پروانه) به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردید.

در مرحله دوم، براساس واحدهای بهره‌برداری تعیین شده به‌عنوان حجم نمونه در دو استان و در سه قلمرو مرتعی سنتی، طرح مرتع‌داری و تعاونی مرتع‌داری، اقدام به انتخاب جمعیت بهره‌بردار از این واحدها شد. بدین منظور با استفاده از قاعده امتیازبندی و احتساب متوسط درآمد خانوارهای عضو، ۱۸۰ خانوار در استان کردستان و ۱۸۶ خانوار در استان آذربایجان شرقی به‌عنوان نمونه در مرحله دوم انتخاب شدند.

۳- روش جمع‌آوری اطلاعات و ابزار سنجش

پرسش‌نامه‌های کتبی - حضوری و فن مصاحبه و مشاهده مستقیم از مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات در این پیمایش بود. پرسش‌نامه‌های هدایت شده^{۵۱} که به صورت کتبی حضوری و همراه با مصاحبه در جامعه تحت مطالعه اعمال شد متشکل از ۱۱۴ سؤال باز و بسته بود که جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز و سنجش باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای مربوط به عناصر خرده فرهنگ دهقانی به‌کار رفت.

به دلیل ماهیت مفاهیم و متغیرهای مورد مطالعه ضرورت استفاده از مقیاس‌ها و شاخص‌های سنجش موضوعات کیفی اجتناب‌ناپذیر بود. در این تحقیق بالغ بر ده متغیر از طریق ساخت مقیاس و شاخص اندازه‌گیری شد.

برای احتساب روایی مقیاس‌های سنجش از آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده گردید. با توجه به مقادیر آلفای کرونباخ، مقدار α برای همه شاخص‌ها محاسبه شد.

این روش‌ها که ناظر بر دقت سنجش و اندازه‌گیری مقیاس‌ها و شاخص‌های مورد استفاده خصوصاً در اندازه‌گیری مفاهیم تجریدی و موضوعات کیفی تحقیق است مشتمل بر تحلیل

49 - Sharp

50 - Chocran

51 - structured questionnaires

عاملی و تحلیل روایی مقیاس‌ها است. در جدول زیر مقدار آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیرهای اصلی تحقیق نمایش شده است:

جدول ۱- مقیاس‌های سنجش و تحلیل روایی آن‌ها

پرسش‌نامه نهایی			پرسش‌نامه‌های مقدماتی			مقیاس‌های سنجش و اندازه‌گیری
ضریب روائی	تعداد گویه	تعداد پاسخگو	ضریب روائی	تعداد گویه	تعداد پاسخگو	
۰/۸۹	۴	۳۵۹	۰/۸۶	۴	۳۰	۱- فانتالیسم (سرنوشت گرایی)
۰/۸۳	۵	۳۵۹	۰/۸۱	۵	۳۰	۲- سطح توقعات آرزوها و خواسته‌ها
۰/۷۸	۵	۳۵۹	۰/۸۱	۵	۳۰	۳- احساس کارآیی و خود اثر بخشی
۰/۸۹	۴	۲۵۹	۰/۸۳	۵	۳۰	۴- انگیزه اقتصادی
۰/۸۱	۴	۳۵۹	۰/۷۳	۴	۳	۵- هم‌دلی
۰/۸۷	۳	۳۵۹	۰/۸۱	۳	۳۰	۶- تصور خیر محدود
۰/۷۹	۵	۳۵۹	۰/۷۴	۵	۲۰	۷- بی‌اعتمادی در روابط شخصی
۰/۸۱	۴	۳۵۹	۰/۷۶	۴	۳۰	۸- نوپذیری و نوآوری
۰/۷۵	۴	۳۵۹	۰/۷۳	۴	۳۰	۹- ناتوانی در ترجیح منافع آنی به منافع آتی
۰/۸۳	۷	۳۵۹	۰/۸۶	۷	۳۰	۱۰- نیاز به موفقیت
۰/۸۳	۵	۳۵۹	۰/۷۹	۵	۳۰	۱۱- وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES)

۴- روش‌های آماری جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیات تحقیق

در تنظیم اطلاعات و عرضهٔ داده‌ها در فرم اطلاعات آماری و نیز نمایش کمی نتایج از متداول‌ترین ابزار و تکنیک‌های موجود در مجموعه آماری برای علوم اجتماعی^{۵۲} استفاده گردیده است.

در مقایسهٔ خصوصیات، صفات، حالات و کیفیات رفتاری و اعتقادی مرتع‌داران خصوصاً عناصر خرده‌فرهنگ دهقانی و نیز در آزمون فرضیات تحقیق عمدتاً از تست کای اسکوار، آزمون تی، تحلیل واریانس و کرامروی استفاده شده است.

یافته‌ها و نتایج

۱- خصوصیات جمعیتی و فردی مرتع‌داران

بر اساس نتایج حاصله از پیمایش مرتع‌داران عضو طرح‌های مرتع‌داری، تعاونی‌های مرتع‌داری و نظام‌های بهره‌برداری سنتی در دو استان کردستان و آذربایجان شرقی، از حیث جنسی اکثریت قریب به اتفاق آنان (۹۹ درصد) مرد (مذکر) هستند. بیشترین درصد آنها (۶۰ درصد) در گروه سنی میانه (۳۰-۵۵ سال) قرار دارند. قریب به ۸۶ درصد دارای منشاء عشایری، ۱۰ درصد دارای منشاء روستایی و ۴ درصد نیز دارای منشاء شهری (متولد شهر) هستند. از حیث سواد بالغ بر نیمی از مرتع‌داران تحت مطالعه (۵۶ درصد) بیسواد و ۲۳ درصد تحصیلاتی در حد خواندن و نوشتن و ۲۱ درصد نیز مقاطعی از تحصیلات رسمی را طی نموده‌اند. از حیث وضعیت تأهل ۸۳ درصد متأهل، ۱۲ درصد مجرد و ۵ درصد نیز از همسران خود جدا شده و یا همسران خود را از دست داده‌اند.

از حیث وضعیت اجتماعی - اقتصادی که بر حسب میزان درآمد، سطح سواد، نوع شغل و وضعیت فعالیت اقتصادی و مایملک شخصی (زمین، دام و ...) و از طریق شاخص ترکیبی سنجیده شده است، بالغ بر نیمی از پاسخگویان (۵۱ درصد) به طبقه SES (وضعیت اجتماعی - اقتصادی) پایین و ۸ درصد به طبقه SES بالا متعلق‌اند.

با توجه به توزیع پاسخگویان در نظام‌های بهره‌برداری (عضویت در نظام‌های بهره‌برداری)، بالغ بر نیمی (۵۴ درصد) در طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری عضواند. در مقابل ۴۶ درصد نیز به نظام بهره‌برداری سنتی (اعم از دارای پروانه چرا و یا فاقد آن) تعلق دارند.

۲- نتایج نظرسنجی و بررسی وضع‌های رفتار، باورها و ارزش‌های مرتبط با خرده فرهنگ دهقانی

نتایج پیمایش مرتع‌داران در دو استان کردستان و آذربایجان شرقی نشان می‌دهد که بالغ بر ۶۸ درصد از مرتع‌داران عضو طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری و ۳۱ درصد از مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی از اهداف طرح‌های مرتع‌داری و فواید آن برای مرتع‌داری و محیط زیست اطلاع و آگاهی دارند.

بالغ بر ۴۱ درصد مرتع‌داران عضو طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری در مقایسه با ۱۷ درصد از مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی علاقه خود را به ماندن، عضویت و تمایل به سرمایه‌گذاری بلند مدت در طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری ابراز نموده‌اند.

با عنایت به عناصر خرده فرهنگ دهقانی تحت مطالعه نتایج پیمایش نشان می‌دهد که در ارتباط با میزان سرنوشت‌گرایی (فاتالیسم) در بین مرتجع‌داران تحت مطالعه، ۳۱ درصد دارای فاتالیسم بالا (H)، ۴۸ درصد دارای فاتالیسم متوسط (M) و ۲۱ درصد نیز دارای فاتالیسم پائین (L) هستند. با این ترتیب میزان سرنوشت‌گرایی دو گروه از مرتجع‌داران عضو تعاونی‌ها و طرح‌های مرتجع‌داری و مرتجع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی از لحاظ آماری تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. از حیث میزان و سطح توقعات و آرزوها درصد بالایی (۴۳ درصد) دارای سطح توقعات و آرزوهای پائین‌اند. با این توصیف مرتجع‌داران عضو تعاونی‌ها و طرح‌های مرتجع‌داری در مقایسه با مرتجع‌داران عضو تعاونی‌ها و طرح‌های مرتجع‌داری در مقایسه با مرتجع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی از سطح توقعات و آرزوهای بالایی برخوردارند.

میزان بی‌اعتمادی در روابط شخصی در نزد مرتجع‌داران تحت مطالعه نسبتاً بالاست به طوری که ۵۱ درصد آنان دارای میزان بی‌اعتمادی بالا در روابط شخصی هستند. با این حال تفاوت معنی‌داری را از لحاظ آماری در سه گروه از مرتجع‌داران عضو طرح‌های مرتجع‌داری، تعاونی‌های مرتجع‌داری و نظام‌های بهره‌برداری سنتی نمی‌توان مشاهده کرد.

بیشترین درصد پاسخگویان از حیث میزان تصور خیر محدود متعلق به طبقه دارای میزان متوسط بر این باور می‌باشند (۴۳ درصد). مجدداً سه گروه از مرتجع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری تفاوت معنی‌داری را در زمینه میزان تصور خیر محدود از لحاظ آماری نشان نمی‌دهند.

با توجه به درجه نوظیری و میزان نوآوری مرتجع‌داران تحت مطالعه نتایج حاصله از پیمایش نشان می‌دهد حدود ۳۱ درصد پاسخگویان دارای میزان نوظیری بالا (H) هستند. در مقابل بیشترین درصد متعلق به مرتجع‌دارانی است که در رتبه‌بندی نمرات مربوط به شاخص نوظیری در طبقه متوسط (M) قرار دارند (۴۷ درصد). ۲۲ درصد نیز دارای میزان نوظیری پائین (L) می‌باشند. با این وصف هرچه از سمت نظام‌های بهره‌برداری سنتی به سمت نظام‌های بهره‌برداری مدرن نظیر طرح‌های مرتجع‌داری و تعاونی‌های مرتجع‌داری میل می‌کنیم بر میزان تمایل مرتجع‌داران به نوآوری افزوده می‌شود.

نتایج حاصل از اعمال مقیاس ترجیح منافع آنی به منافع آتی در مرتجع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری در دو استان کردستان و آذربایجان شرقی نشان‌گر آن است که درصد بالایی از مرتجع‌داران (۴۱ درصد) به گروه مرتجع‌دارانی تعلق دارند که به میزان زیادی منافع آنی را به منافع و پاداش‌های بلندمدت آنی ترجیح می‌دهند. با این حال با در نظر گرفتن نوع عضویت مرتجع‌داران در نظام‌های بهره‌برداری، تفاوت معنی‌داری از حیث آماری میان مرتجع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی و مدرن در این خصوص وجود دارد.

نتایج تحقیق همچنین مبین پائین بودن میزان هم‌دلی در بین مرتع‌داران تحت مطالعه است به طوری که بیشترین درصد متعلق به مرتع‌دارانی است که در گروه میزان هم‌دلی پائین قرار گرفته‌اند (۵۸ درصد). با این وصف هرچه از گروه مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سستی به نظام‌های بهره‌برداری مدرن میل می‌شود بر میزان هم‌دلی پاسخگویان افزوده می‌شود. با در نظر گرفتن میزان نیاز به موفقیت نتایج حاصله از کاربرد مقیاس سنجش N-Ach در مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری در دو استان نشان می‌دهد که بیشترین درصد متعلق به مرتع‌دارانی است که انگیزش به پیشرفت و نیاز به موفقیت در آنان در سطح متوسط قرار دارد (۴۳ درصد). با این حال درصد مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری مدرن (طرح‌های مرتع‌داری و تعاونی‌های مرتع‌داری) با N-Ach بالا به نسبت بیشتر از مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سستی است.

سنجش میزان احساس خوداثربخشی در مرتع‌داران تحت مطالعه نشان می‌دهد که در مجموع احساس کارآیی شخصی در آنان پائین است. بالغ بر ۳۸ درصد آنان دارای احساس خوداثربخشی پائین هستند. مجدداً هرچه از نظام‌های بهره‌برداری سستی به سمت نظام‌های بهره‌برداری مدرن میل می‌کنیم بر میزان احساس خوداثربخشی مرتع‌داران افزوده می‌شود. انگیزه اقتصادی که از طریق کاربرد مقیاس چهارگویه‌ای تایلور^۳ سنجیده شده است مبین آن است که بیشترین درصد متعلق به مرتع‌دارانی است که دارای انگیزه اقتصادی متوسط هستند (۳۹ درصد). این موضوع نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری میان دو گروه از مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سستی و مدرن از لحاظ میزان انگیزه اقتصادی وجود دارد.

۳- آزمون فرضیات تحقیق پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فرضیه اصلی تحقیق حاضر ناظر بر این فرض بود که دو گروه از مرتع‌داران (برحسب نوع عضویت از نظام‌های بهره‌برداری از مراتع) از لحاظ باورها و ارزش‌های فرهنگی متناسب به خرده نظام فرهنگ دهقانی متمایز و متفاوت‌اند.

نتایج به‌دست آمده از کاربرد آزمون تی و کای اسکوار در گروه مرتع‌داران عضو طرح‌های مرتع‌داری و تعاونی‌های مرتع‌داری (G1) و گروه مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سستی (G2) و به منظور تعیین معنی‌داری اختلاف میانگین نمرات دو گروه و نیز تفاوت فراوانی‌های مورد مشاهده و موردانتظار در جدول زیر منعکس است.

جدول ۲- نتایج آزمون فرضیات تحقیق

فانالیسم

G_1	$X^2=7.33$	<	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها

G_1	$X^2=17.30$	>	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

احساس کارآیی و خوداثربخشی

G_1	$t=3.42$	>	1.943	$\alpha=.05$
G_2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی‌دار

انگیزه اقتصادی

G_1	$X^2=7.33$	>	1.83	$\alpha=.05$
G_2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی‌دار

هم‌دلی

G_1	$X^2=19.63$	>	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

تصور خیرمحدود

G_1	$X^2=8.43$	<	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

بی‌اعتمادی در روابط شخصی

G_1	$X^2=6.76$	<	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

نوپذیری و نوآوری

G_1	$X^2=11.74$	>	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

(N-Ach) نیاز به موفقیت

G_1	$T=2.52$	>	1.750	$\alpha=.05$
G_2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی‌دار

وضعیت اجتماعی - اقتصادی (SES)

G_1	$t=3.41$	$>$	1.94	$\alpha=.05$
G_2	ارزش تی		ارزش جدولی	سطح معنی‌دار
ترجیح منافع آتی به منافع آتی				
G_1	$X^2=16.29$	$>$	9.49	$\alpha=.05$
G_2	ارزش کی دو		ارزش حساس	سطح معنی‌دار

نتیجه‌گیری

در این مقاله که در پرتو تحقیقات انجام شده در خصوص عناصر خرده فرهنگ دهقانی و مبتنی بر مبانی نظری آن از یک‌سو و نیز نتایج حاصل از تحقیق «بررسی تطبیقی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری از مرتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان» تنظیم و تدوین گردیده بود به اختصار کوشش شد بخشی از نتایج پیمایش انجام شده که ناظر بر مقایسه وجهه نظرات دو گروه از مرتع‌داران عضو نظام‌های بهره‌برداری سنتی و مرتع‌داران عضو طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری در پرتو نظریه عناصر خرده فرهنگ دهقانی بود عرضه گردد. فرضیه اصلی تحقیق ناظر بر این فرض بود که دو گروه از مرتع‌داران تحت مطالعه از حیث انگیزش‌ها، نظام ارزش‌ها و نگرش‌هایی که در نظریه خرده فرهنگ دهقانی به‌عنوان عناصر غالب و به‌مثابه رادع‌ها و موانع پذیرش نوآوری و مقاومت در برابر تغییرات و تحولات ساختاری و نوسازی مطرح‌اند تفاوت اساسی دارند.

براساس نتایج به‌دست آمده از مقایسه دو گروه و نیز نتایج حاصله از آزمون فرضیات تحقیق می‌توان استنتاج کرد دو گروه از حیث برخی از باورها و ارزش‌های منتسب به خرده فرهنگ دهقانی تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری دارند. این تفاوت‌ها عمدتاً با توجه به سطح توقعات، آرزوها و خواسته‌ها، احساس خوداثربخشی، انگیزه اقتصادی، هم‌دلی، نوبذیری و نوآوری، نیاز به موفقیت و ترجیح منافع آتی به منافع آتی در دو گروه از مرتع‌داران تحت مطالعه (عضو طرح‌های مرتع‌داری و تعاونی‌های مرتع‌داری و نیز مرتع‌داران متعلق به نظام‌های بهره‌برداری سنتی) معنی‌دار بوده است.

با این توصیف دو گروه از حیث میزان سرنوشت‌گرایی (فاتالیسم)، میزان بی‌اعتمادی در روابط شخصی و نیز میزان تصور خیرمحدود تفاوت معنی‌داری را نشان نداده و لذا می‌توان استدلال کرد مرتع‌داران عضو طرح‌ها و تعاونی‌های مرتع‌داری و مرتع‌داران متعلق به نظام بهره‌برداری سنتی در باب این سه متغیر به‌عنوان عناصر خرده فرهنگ دهقانی وجه مشترک دارند. یکی از دلایل این امر را می‌توان بی‌ارتباط بودن وضعیت اجتماعی اقتصادی مرتع‌داران و

نیز نوع عضویت آنان در نظام‌های بهره‌برداری از مراتع دانست. به عبارت دیگر گرچه دو گروه از لحاظ میزان وضعیت اجتماعی - اقتصادی و نوع عضویت در نظام‌های بهره‌برداری متفاوت‌اند، این تفاوت‌ها بر برخی از ارزش‌ها و باورهای متناسب به عناصر خرده فرهنگ دهقانی نظیر تصور خیرمحدود، بی‌اعتمادی در روابط شخصی و میزان فATALISM تأثیر نگذاشته است. از طرف دیگر می‌توان استدلال کرد این سه متغیر از عناصر عمده خرده فرهنگ دهقانی در نظریه‌های راجرز و فاستر به حساب می‌آیند که در نزد دهقانان هم عمومی‌ترند و هم مزمن و دیرپا. تغییر این باورها و رفتارها نیز به نحو باارزی با عوامل متعددی نظیر ارتقاء سطح دانش، پیش و سواد مرتع‌داران، توان‌مهندسازی مرتع‌داران، تحول در مناسبات و روابط تولید، نوسازی جامعه در همه ابعاد و بخش‌ها، افزایش تحرک جغرافیایی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و تحولات در نظام‌های آموزشی و تربیتی جامعه عشایری و روستایی مرتبط است که نه یک‌بار، بلکه تدریجاً و با تأخر زمانی با برخی تغییرات ارزشی در جامعه سنتی در طول یک یا چند نسل صورت می‌گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ازکیا، مصطفی، ۱۳۷۰، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- _____، ۱۳۷۴، بررسی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی طرح‌های مرتع‌داری در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد، جلد دهم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- دواس، دی‌ای، ۱۳۷۶، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران، نشر نی.
- راجرز، اورت و شومیکر، فلوید، ۱۳۶۹، رسانش نوآوری‌ها، ترجمه کرمی و فنایی، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ریتزر، جرج، ۱۳۷۴، جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۹، بررسی تطبیقی ابعاد روان‌شناسی اجتماعی نظام‌های بهره‌برداری از مرتع در استان‌های آذربایجان شرقی و کردستان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۶، بررسی جنبه‌های اجتماعی - روانی طرح‌های مرتع‌داری، جلد ششم، تهران: مؤسسه مطالعه و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۰، بررسی انزوای ارزشی و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی کشور، تهران، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- Droba, D.1974, *The Nature of Attitude*, Penguin.
- Fals Bordo, O.1989, *Peasant Society in the Colombian Andes*, University of Florida Press.
- Foster, G.M.1965, " Peasant Society and the Image of Limited Good", *American Antropologist*, Vol. 67. No. 20.
- Hutton , A. Cohen . M.1975, *African Peasants and Resistance to Change* , New York.
- Lerner , D.1958, *The Passing of Traditional Society* , Glencoe : Free Press. .
- Lewis , O.1960, *Tepoztlan: Village in Mexico* , N.Y.Hoit.
- Monfred, S, 1986, *Social Development*, Little Brown and Company.
- Rogers , E.1969, *Modernization Among Peasants* , N.Y.Holt,.

-
- Rosen, B.C.1984, **The Achievement Syndrome and Economic Growth in Brazil**, Social Forces . Vol. 42, No. 3.
 - Redfield , R. ,1980, **Tepoztlan, A Mexican Village**, Chicago.
 - Sharp, V.1984, **Statistics for the Social Sciences**, Boston : Little Brown,.
 - Tax, S. 1963, **Penny Capitalism** , Chicago, University of Chicago Press.

